

غزل شماره ۱۶۹

یاری اندر کس نمی بینیم یاران را چه شد؟
دوستی کی آخر آمد دوستداران را چه شد؟

آب حیوان تیره کون شد خضر فرخ پی کجاست؟
خون چکید از شاخ گل باد بهاران را چه شد؟

کس نمی گوید که یاری داشت حق دوستی
حق شناسان را چه حال افتاد یاران را چه شد؟

علی از کانِ مُرَوّت برینا بد سال هاست
تلاش خورشید و سعی باد و باران را چه شد؟

شهریاران بود و خاکِ مهربانان این دیار
مهربانی کی سر آمد شهریاران را چه شد؟

کویِ توفیق و کرامت در میان افکنده اند
کس به میدان در نمی آید سواران را چه شد؟

صد هزاران گل شکفت و بانگِ مرغی برخواست
عزلیبان را چه پیش آمد هزاران را چه شد؟

زهره سازی خوش نمی سازد مگر عودش بسوخت؟
کس ندارد ذوقِ مستی میکساران را چه شد؟

حافظ! اسرارِ الهی کس نمی داند، خموش
از که می پرسی که دورِ روزگار ان را چه شد؟

تفسیر فال

از وضعیتی که در آن به سر می برید به شدت خسته شده اید و احساس می کنید که هیچ کس در این مسیر دشوار یاری تان نمی کند. گویی تمامی اطرافیان و افرادی که زمانی به آنها خوبی کرده اید، شما را فراموش کرده اند و در مقابل مهربانی های شما، بدی و بی محلی را نشان داده اند. این وضعیت، باعث شده است که شما در انتظار رحمت الهی بی قراری کنید و روزها را با امید به تغییر بگذرانید. با این حال، هنگامی که شانس ناگهان بر شما لبخند

می‌زند، آن را نادیده می‌گیرید و از کنار آن می‌گذرید. شاید ترس یا عدم اعتماد به نفس مانع از پذیرش فرصت‌ها شود. با تمام این احوال، باید بدانید که هر چه تقدیر الهی برای شما رقم زده باشد، همان است و باید با صبر و شکیبایی در برابر چالش‌ها ایستادگی کنید تا بتوانید بر مشکلات فائق آمده و در نهایت به آرامش دست یابید.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)